

ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب
- **سرمدیر:** حسام الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملعی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- زرتین رستمی وود (اجتماعی)

- **بنفشه غلامی (جهان)**
- **لیدا فخری (اندیشه)** • محمدرضا عزیززی (گزارش)
- **زهرا کشوری (زیست‌بوم)** • فرناز قلعه‌دار (حوادث)
- **مهدی کلهرنژاد (اجرای)**
- **حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)**
- **محسن جانی پور (ویراستاری)**
- **ابوالفضل نسایی (عکس)**



- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پایامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۲۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

در خون خضاب شدن تن باران بعد از او آنها که نام فاطمه را می‌زنند جاری

سید حمیدرضا برقی، شاعر معاصر



پیامبر اکرم (ص): هر عمل نیکی، عملی نیکوتر از خود دارد مگر شهادت در راه خدا که نیکوتر عملی از آن وجود ندارد.

خصل، ج ۱، ص ۸

نگاره

مثل حاج قاسم



رضا جعفری / طراح و کارتون‌نویس

نقل قول

مگر این ترور نیست؟!

این عمل وحشیانه و تروریستی در روز مادر، که روز جذاب و قشنگی است صورت گرفت. خیلی از کسانی که در این حادثه جان باختند مادر بودند. خیلی‌ها می‌خواستند در آن روز، روز مادر را به مادران خود تبریک بگویند. آن کودک هم که مظلومانه شهید شد، چه بسا هدیه روز مادر را با خود به همراه داشت اما در کنار مادرش در خون غلتید. هرکسی که از کشته شدن مردم بی دفاع، بی گناه و مظلوم خوشحال شود، با آن کسی که مرتکب این جنایت شده است، هیچ تفاوتی ندارد. کسی هم که بمب‌گذاری کرده، از منفجر شدن آن بمب و کشتار آن مردم خوشحال شده است. قتل عام این مردم خوشحالی ندارد؛ حال این مردم به هر دلیلی در آن مکان حضور داشته‌اند. چه فرقی می‌کند که این مردم برای چه به آن مکان رفته‌اند؟ مگر در اصل موضوع تغییری ایجاد می‌شود؟ مگر می‌توان صورت مسئله را پاک کرد؟ مگر در همه جای دنیا دم از مبارزه با تروریست نمی‌زنند؟ مگر این ترور نیست؟ مگر این عمل، تروریستی نیست؟ من نمی‌فهمم که یک ایرانی، چگونه می‌تواند از کشته شدن هموطنان خود خوشحال شود؟ یک انسان، چگونه می‌تواند از کشته شدن انسان‌ها ابراز شادی کند؟ وقتی به این موضوع فکری می‌کنم عصبانی می‌شوم. اصلاً احساسات را کنار بگذاریم، عقل را چه کنیم؟ بشرم بر کسانی که از کشتار این مردم مظلوم به دست تروریست‌های کثیف، استفاده ابزاری و سیاسی می‌کنند.

از صحبت‌های این بازیگر با فارس



مهران غفوریان بازیگر

عکس نوشت



کمی پس از انفجارهای تروریستی مسیر گلزار شهدای کرمان، اینجا محل انفجار و میعادگاه حضور مردمی است که آمده‌اند تا هم با گلباران محل یاد شهدا را گرامی بدارند و هم بگویند کودک‌کشی خصلت تروریست‌ها و حامیان‌شان است و خواری آنان را نشان می‌دهد.

عکس: مهر

قدرتِ نخبگانِ مؤسس

در میان نیروهای سازنده انقلاب‌های الهی، «نخبگان شهید» از نیرومندترین الگوها هستند. چرا امروزه بازشناسی این نخبگان، اهمیت مضاعف یافته است؟

یادداشت

دکتر محمد مهدی اسماعیلی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران



۱۴ دی، یک روز پس از سالگرد عروج شهید قاسم سلیمانی، سالروز شهادت دکتر سعید کاظمی آشتیانی نیز هست؛ شخصیتی که او را باید از «نخبگان انقلابی مؤسس» در عصر انقلاب اسلامی دانست. او کار پژوهش‌کننده روایت و توسعه مطالعات فوق حیاتی ژنتیک و سلول‌های بنیادین را با چنان آگاهی و درایتی پیش برد که از یک «نخبه ارزش‌آفرین» تبدیل به یک «نخبه معنابخش» شد و نام درخشان خود را بر تاریخ ملی ما ثبت کرد. امروزه این سؤال که او چگونه موفق به این کار بزرگ شد، پاسخ خود را کم‌وبیش یافته است. پرسش اساسی تر آن است که چرا ساختن نیروهای سازنده انقلاب‌های الهی در گرو شناختن این نخبگان شهید است و این امر امروزه در کشور ما ضرورت بیشتری یافته است؟ در واقع، باید بتوانیم تبیین کنیم که بازخوانی قواعد زندگی این نخبگان، چه تأثیری بر بهبود عملکرد ما برای پیشرفت ایران دارد.

دیوان سالاری‌ها، نظامات اداری و خصلت‌های آن را می‌شناسند و به جای آنکه نیروی خود را صرف جنگیدن با ساختارهای فرسوده یا ناکارآمد کنند، با ذهن تیز و قدرت عمل شان، ساختارسازی می‌کنند و از ظرفیت‌های دیگر برای رشد علم و توسعه فرهنگ کمک می‌گیرند. حتی، «ظرفیت‌سازی جدید» نیز می‌کنند؛ چنانکه وقتی دستاوردهای آنان پس از سال‌ها شمارش می‌شود، حاصل آن پیدایش ارزش افزوده‌ای ارزشمند برای جامعه و زمانه مانند «پژوهشگاه روان» است. بی‌سبب نیست که ما باید در یک سطح از عنوان «نخبگان ارزش‌آفرین» برای توصیف چنین کنشگران نیرومندی، استفاده کنیم تا بتوانیم طبقه‌بندی دقیقی از نخبگان خود بر اساس میزان اطلاعات، آگاهی و کارکردهایشان داشته باشیم. این نخبگان با آنها که خود را در جدال با جامعه و دیگر رویدادها دچار اصطکاک زیاد و تنش‌های تند می‌کنند، متفاوت هستند.

وجود حاضر غایب

ویژگی دیگر نخبگان انقلابی مؤسس، وجود حاضر غایب است: «هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟ آنها، هستند نیستند. از سویی، آنها در متن جامعه حضور دارند و به عنوان یک عنصر قدرت در نسبت با دیگر اندام‌های

اجتماعی تعریف می‌شوند. این اندام‌ها نیز طبیعتاً با یکدیگر تعامل دارند. بنابراین، کاملاً اجتماعی و سیاسی هستند و نه تنها تحولات را می‌فهمند و می‌شناسند، بلکه خود در مرکز آن «حضور» دارند. اما از سوی دیگر، کویی از جریان روزمره زندگی «غایب» هستند، چرا که هیچ تحول و حادثه و دگرگونی‌ای، آنها را از افق تاریخی‌ای که در ذهن شان ترسیم کرده‌اند، منحرف نمی‌سازد و علیرغم هزاران گزند، فقط به کار اصلی خود مشغولند تا رسالت‌شان را بی‌که و گاست به انجام رسانند. به همین دلیل است که می‌توان گفت، نخبگان انقلابی مؤسس، عارف نیز هستند.

ذهن ساختارساز، فکر دستگاه‌ساز

نخبگان انقلابی مؤسس، مانند شهید کاظمی آشتیانی، همواره ذخیره عقلانیت و معرفت جوامع خود به شمار می‌روند و نماد «هوش فرهنگی» و «نبوغ علمی» روزگار خویش‌اند. ذهن ساختارساز و فکر دستگاه‌ساز، آنها را نسبت به دیگر نخبگان، متمایز می‌کند و در جایگاه «مؤسس» می‌نشانند. روندسازی و جریان‌آفرینی، تنها کار چنین اذهان نخبه‌ای است که می‌توانند امضای خود را بر تاریخ مردمی کشور خود، بگذارند.

ایجاد ارزش افزوده

وانگهی، این نخبگان، کویی به صورت غریزی و ذاتی،



آنها به درجه‌ای از شناخت و یقین رسیده‌اند که هم بر این جهان اشراف دارند، هم سلوک آن جهانی را تمرین می‌کنند و از دهل‌باز میان این دو سلوک است که قدرت انقلابی خود را به امروز و فردای تاریخ، ساطع می‌سازند.

از ارزش‌آفرینی به معنابخشی

اما، چیزی بالاتر از یک عرفان تجربی یا تجربه‌یاطنی نیز باید وجود داشته باشد که نخبگان مؤسس را تبدیل به اسطوره‌های معنابخش کند، چرا که در جوامع بسیاری می‌توان نمونه‌های «نخبگان ارزش‌آفرین» را نشان داد و لیست بلندی از نام‌های بزرگ را برشمرد؛ شخصیت‌های ارزشمندی که جایگاه کم‌ظنیری نیز دارند. اما از مرحله «ارزش‌آفرینی» به جایگاه «معنابخشی» نرسیده‌اند. انقلاب اسلامی ایران، «نخبگان معنابخش» را زنده کرد و دوباره به آنها قدرت عمل داد؛ نخبگانی که این بار به جای سربرآوردن از دل مناسبات خاندانی و اشرافی

و سلطنتی، از دل توده‌ها و آن نیز توده‌های محروم و طبقه مستضعفان تاریخ، متولد می‌شوند و الهیات وجودی خاص خود را دارند. آنها باورمندترین نیروهای سازنده ایران به آرمان انقلابی هستند، اما در قالب‌های مرسوم کلیشه‌ای نمی‌کنجند و چون نگاه آنها به افق حقیقی تاریخ است، به مناسبات روزمره که بشر را اسیر خود کرده، اهمیت نمی‌دهند تا همه قوای جوهری وجودشان، صرف آرمان و هدفی شود که پیش روی خود از آینده، برای تعالی جامعه ساخته‌اند. این تمرکز، منبع قدرتی غیرقابل توصیف است و یک نخبه متفکر را در مقام کانون اندیشنده جهان قرار می‌دهد. ترجمان دیگر این گفتار، جمله حکیمانه رهبر خردمند انقلاب است که فرمودند: «هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه کارها به شما متوجه است.»

صورت کامل آرزو

نخبگان انقلابی مؤسس، چنین بودند و به همین سبب است که باید قواعد فکری و سبک زندگی آنها را بخوبی شناخت. آنها برای آنکه رسالت تاریخی خود را ایفا کنند و در قامت اسطوره‌های معنابخش انقلاب اسلامی ظاهر شوند، گویا عمر درازی نیاز ندارند و می‌دانند چگونه باید صورت مثالی خود را تحقق بخشند. شهید سعید کاظمی آشتیانی که در ایام سالگرد شهادت او قرار داریم، ۴۴ سال بیشتر نزیست، اما در ذهن نسل‌های انقلابی، جاودانه گشت. او در کار خود چنان متعهدانه پیش رفت که رهبری، توصیف را دربرآش چنین تمام کردند: «حرکت او، نحوه کار او، مدیریت او، پیگیری او، یک مجموعه کاملی بود از آن چیزی که آدم دوست می‌دارد و آرزو دارد.»

حجاب معاصر و هشدار رهبری

کار ما آن است که حجاب معاصر را کنار بزنیم و کنج‌های زمانه را دوباره زنده کنیم تا بدرستی و منصفانه، نشان دهیم چرا خاک حاصلخیز ایران و روح انقلاب اسلامی، زادگاه این نخبگان انقلابی مؤسس است؟ بنابراین، صرفاً باید هشدار اردیبهشت ۱۴۰۱ رهبر معظم انقلاب در دیدار با معلمان و فرهنگیان گرفتارمان را سرلوحه سیاست‌گذاری فرهنگی، علمی و آموزشی خود قرار دهیم که فرمودند «شما بین بچه‌های مدرسه‌تان، مدارس‌تان نظرخواهی کنید ببینید چند درصد [سعید] کاظمی آشتیانی را... با آن همه خدمات می‌شناسند، روان‌دلو را چند درصد می‌شناسند، ما چرا افتخارات ملی خودمان را نمی‌شناسیم؟» شنیدن دوباره هشدار رهبر خردمندمان امروزه از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که دشمنان انقلاب اسلامی، از چند سو، این منبع قدرت انقلاب را هدف گرفته‌اند.

از یک سو، «نخبگان انقلابی مؤسس» در سبک زندگی غربی‌زاده نمی‌شوند، بلکه حاصل فضای فرهنگی تمدن اسلامی در ایران هستند که با انقلاب به مرحله تازه‌ای از نوزایی رسید. بنابراین، جنگ نرم در حوزه سبک زندگی برای از بین بردن این بستر پویای تاریخی، همواره از سوی غرب علیه ما جریان داشته است.

بیداری علیه خیانت

از سوی دیگر، امروزه انقلاب اسلامی عهدی بالنده از تاریخ درخشان خود را طی می‌کند که حاصل پشت سر نهادن سختی‌های بسیار و همچنین آبتن دشواری‌های دیگر برای نیل به اوست. در چنین مقطعی، قدرت نخبگان انقلابی راه را مانند همیشه هموار خواهد کرد و اگر حضرت آیت‌الله رئیسی، ریاست محترم جمهوری نیز بر تریب، حضور و جریان‌سازی نخبگان اصرار دارند، نخبگان از چنین برآوردهای راهبردی‌ای است؛ جراتی که نخبگان را ناامید می‌کند، به خون نخبگان شهید خیانت می‌کند و باید نسبت به این خیانت، بیدارتر از همیشه بود. این بیداری، شعار نمی‌خواهد و تنها مستلزم خدمت بیشتر به نخبگان معنابخش کشورمان در مقام مفاخر بزرگ ایران اسلامی است. شهید کاظمی آشتیانی به ما آموخت که نباید تنها مفاخر خود را از میان معیارهای کلیشه‌ای بچوبیم و صرفاً به تکریم ششری خاص بپردازیم، بلکه باید آنها را کیفی نیز ارزیابی کنیم و با تشخیص وجوه متمیز نخبگان از یکدیگر، قدرت تأسیس و جریان‌سازی و الهام‌بخشی نخبگان انقلابی را بیشتر قدر بدانیم.

یادداشت

پیروزی نزدیک است

زهرا شمس / حالا که دارم می‌نویسم، هم سید رضی عزیز را از دست داده‌ام و هم آقای صالح را. هم تازه از لبنان برگشته‌ام و کوچک پس کوچک‌های ضاحیه را دیده‌ام و هم روح سخنان سید مقاومتش در مردان و زنان بیروت را. ضاحیه قلب مقاومت است. قلب صبر و استقامت. کسی به قلب‌مان آسیب بزند، باید دردم شکنمیش. وقتی اسامه حمدان (سخنگوی حماس) آمده بود خوشامد تیم ایرانی چهره‌اش پدران! اشکش موقع خواندن شعر لبنانی در همایش اشک مریم برای کودکان فلسطینی روان! نگاهش پر از اندوه و مقاومت کلامش شیرین و امیدوار بود. وقتی گفت: پیروزی نزدیک است و ان‌شاء‌الله در مسجداً الاقصی با سید القائد نماز می‌خوانیم. ششور مقاومت در بیروت شعله‌ور بود. زن و مرد آماده نبرد بودند. چقدر دنیای ما از دنیای نزدیک به پوشش ضاحیه فاصله داشت. ضاحیه یعنی دست قدرت اسلام اما غیر از مسلمانان، مسیحیان لبنان هم رگ‌های غیرت‌شان متورم شده بود باید این همه نامردی جنگ غزه، آنقدر که آنها مقاوم صحبت کردند و دفاع از حزب‌الله در اجلاس بانوان اثرگذار لبنان و اجلاس اشک مریم؛ و مسلمانان حکام عرب در اجلاس سعودی نتوانستند... هیئات منالذله شعار عمومی مسیحی و مسلمان شده. در لبنان آنقدر که کشیش شعار هیئات می‌دهد و بقیه همراهی‌اش می‌کنند! کشیش دیگری آمد بالای منبر از اول تا آخر صحبت‌هایش را اشک ریختم؛ همایش اشک مریم بود... پدر روحانی شروع کرد از معنی دمع (اشک) مریم گفت «دمع المریم یعنی دمع السلام و دم‌القاء دمع المریم» یعنی اطفال بلاکفان انگار داشت ناحیه مقدس می‌خواند و سلام می‌داد.

«اجسام العاریات»

عالم اهل سنت آمد پشت تریبون و رو کرد به همسر رئیس جمهورمان که این جلسه را برپا کرده بودند و گفت که شما هیبتانی دارید برای امام حسین (ع) اگر امام حسین امروز بود برای غزه می‌گفت «یا لیتنی کنا معکم فافوز فوزاً عظیماً»!! یکی دیگر از علمای ادیان آمد و گفت سلام بر امهات المصطفی (برگزیده) در غزه یادم از مریم عزیز آمد که تنها بنده خداست که دو بار خداوند متعال او را برگزید و امروز محل زندگی‌اش را اسرائیل چنل‌پنکار ویران و نابود کرده و فرزندان وطنش را به آتش ظلم و فساد به شهادت رسانده!! دلم هنوز پیش سید رضی است، در لبنان هم همش یادش بودم. یادش می‌افتم اشکم امان نمی‌دهد...

-آقای سید رضی عزیز!! میهمان نواز، خوش قلب، شهید زنده!!

آقای صالح العاروری!! شهادت‌تان مبارک اجرتان با صاحب‌الزمان. ما تلاش و همت می‌کنیم تا مسلمین را تا جایی که خدا بخواهد، از خواب غفلت بیدار کنیم. به خاطر اشک مریم به خاطر استیصال مسیح وقتی گفت من انصاری الی الله... به خاطر مهدی موعود. ان‌شاء‌الله پای رکابش...



آقای صالح العاروری!! شهادت‌تان مبارک اجرتان با صاحب‌الزمان. ما تلاش و همت می‌کنیم تا مسلمین را تا جایی که خدا بخواهد، از خواب غفلت بیدار کنیم. به خاطر اشک مریم به خاطر استیصال مسیح وقتی گفت من انصاری الی الله... به خاطر مهدی موعود. ان‌شاء‌الله پای رکابش...